

در دفاع از کمیته برای آزادی هنر و اندیشه در ایران

در عرض یکسال و نیم گذشته جناحی از سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، که اخیراً از کنفدراسیون جهانی انشعاب کرده، مرتباً سعی در بهم زدن جلسات عمومی، کنفرانس‌های مطبوعاتی، و سایر فعالیت‌های "کمیته برای آزادی هنر و اندیشه در ایران" (کیفی) داشته است. جلسات کیفی در دفاع از زندانیان ایران در شهرهای آمریکا (برکلی، ۹ ژانویه ۱۹۷۵؛ وستن، ۲۷ فوریه ۱۹۷۵؛ آستین، ۵ فوریه ۱۹۷۶؛ سن حوز، ۱۶ مارس ۱۹۷۶) هدف اخلاص گری اعضای سازمان آمریکا، از طریق ایجاد هیاهو، سوت زدن و روش‌های مشابه، قرار گرفته است. اعضای سازمان آمریکا حتی از حمله بدنی به فعالین کیفی خودداری نکرده‌اند. (برای شرح بیشتر این وقایع به خبرنامه کیفی، مجلد ۲، شماره ۱، مارس ۱۹۷۶، و سایر اعلامیه‌های کیفی در این زمینه رجوع شود.)

این اعمال سازمان آمریکا در واقع ادامه منطقی سیاست اخراج دانشجویان طرفدار پیام دانشجو و فعالین کیفی است. رهبری سازمان آمریکا که از طریق اخراج موفق به از بین بردن مخالفین سیاسی خود شده، رهبری‌ای که نتوانسته است از طریق ساختن فعالیت‌های مؤثر دفاعی برتری سیاست خود را در عمل ثابت کند و در عرض چند سال گذشته هیچ فعالیت مستمر دفاعی را دنبال نکرده است، اکنون برای پوشاندن ورشکستگی خود به تخریب فعالیت‌های دفاعی کیفی اقدام می‌کند.

غلط بودن اتخاذ روش‌های بورکراتیک تشکیلاتی در داخل سازمان دانشجویی به‌منظور حل اختلافات سیاسی و عواقب آن برای جنبش دانشجویی قبلاً نیز خاطر نشان شده بود. ولی ادامه کاربرد این روش‌های بورکراتیک از درون سازمان دانشجویی تا به سطح عطیسات اخلاص گری در صحنه فعالیت‌های دفاعی علیه رژیم شاه هشدار است که کلیه سازمان‌های دانشجویان ایرانی و کلیه گرایش‌های سیاسی ضد رژیم شاه را در برابر وظیفه دفاع از حق فعالیت سازندگان کیفی قرار می‌دهد. تاکنون هیچ یک از جناح‌های دیگر سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا یک قدم عطفی یا حتی لفظی در راه چنین دفاعی برداشته‌اند. صرفنظر از هرگونه اختلاف سیاسی که این گرایش‌ها در دوره قبلی در بحث‌های مطروحه با طرفداران پیام دانشجو داشتند، و صرفنظر از هرگونه اختلافی که ممکن است با برنامه کار کیفی داشته باشند، دفاع از فعالین کیفی و حق فعالیت آنها در دفاع از زندانیان سیاسی ایران وظیفه ابتدائی هر مبارز ضد رژیمی است. *

یکی از اتهامات مکرر رهبری سازمان آمریکا علیه کیفی، که از آن برای توجیه اخلاص گری‌های خود استفاده کرده است، "مأمور رژیم بودن رضا براهنی است. این اتهام را اعضای سازمان آمریکا چه شفاهاً و چه در نامه‌های خود به روزنامه‌های دانشگاهی مکرراً تکرار کرده‌اند. حتی در سرمقاله رژیم، نشریه دفاعی سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، نیز چنین آورده‌اند، "و آن دیگری، رضا براهنی، راهی خارج میشود تا بکند سازمان 'سیا' و مشتقی عاصری تر از خودش کمیته‌ای در مقابل جنبش دانشجویی ما عزم کنند و به عادت قدر قدرتی ساواک و شاه بپردازند و توده دانشجویان را به بیرون رفتن از جنبش و سازش با ارتجاع ترغیب نمایند." (شماره ۲، سال سوم، مهرماه ۱۳۵۴، ص ۱۲) سازمان آمریکا تاکنون یک مدرک و یک شاهد برای اثبات این ادعای خود ارائه نداده است. در جلسات عمومی کیفی مکرراً از اعضای سازمان آمریکا دعوت شده تا مدارک و شواهد خود را به عموم عرضه دارند. سازمان آمریکا، اگر ذره‌ای حقیقت در این اتهامش نهفته باشد، وظیفه دارد که این مدارک و شواهد را ارائه دهد. کیفی تا بحال چندین بار به سازمان آمریکا پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به صحت یا سقم این اتهامات را داده، ولی سازمان آمریکا کوچکترین پاسخی نداده است. تنها و تنها "مدرک"

سازمان آمریکا آزاد شدن رضا براهنی، شرکت وی در یک مصاحبه مطبوعاتی و خروج وی از ایران است! بنا به این منطق سازمان آمریکا غلامحسین ساعدی و علی شریعتی نیز که هر دو پس از چندی از زندان آزاد شدند و برخی "مصاحبه‌ها" و مقالاتشان در روزنامه‌های تحت کنترل رژیم بجا رسیده، قاعدتاً می‌باید "عامل رژیم" باشند! بنا به این منطق دانشجویان ایرانی بجای دفاع از زندانیان سیاسی برای آزادی آنها از زندان می‌باید صرفاً به تقویت روحیه زندانیان خود را مشغول کنند و در سوگ شهدا غم بخورند. این منطق را سازمان دانشجویان ایرانی در آرلینگتن - تگزاس به "فصحیح‌ترین" نحوی در اعلامیه خود تحت عنوان "افشای یک عنصر خائن و آلوده - براهنی کیست و کیفی چیست؟" بیان داشته‌اند:

"خلق ما با شناخت از فرزندان انقلابی در بند خود میدانیم که رژیم مبارزان انقلابی و عناصر ضد رژیمی واقعی را بهیچوجه از زندان آزاد نمی‌نماید."

عبادت قدر قدرتی ساواک و شاه از این روشن‌تر بیانی لازم ندارد. بهرجهت، آنچه برای ما تعیین کننده است نه گذشته افراد، هرچه که بوده باشد (و بازم تکرار می‌کنیم هیچگونه شاهد و مدرکی در اثبات ادعاهای سازمان آمریکا عرضه نشده)، بلکه عملکرد فعلی آنانست. در طی دو سال گذشته براهنی بکرات در جلسات عمومی در دفاع از زندانیان سیاسی صحبت کرده، از شرایط خفقان و دیکتاتوری شاه سخن گفته، و درباره این مطالب در نشریات آمریکائی مقاله نوشته است. آیا سازمان آمریکا ادعا دارد که این فعالیت‌ها در کمک به رژیم شاه است؟! *

کیفی کمیته‌ای است متشکل از ایرانیان و آمریکائیهائی که برای فعالیت در راه آزادی هنر و اندیشه در ایران گرد آمده‌اند. این کمیته دارای هیچگونه مواضع سیاسی خاصی نبوده و برنامه‌ای جز دفاع از آزادی هنر و اندیشه در ایران ندارد. (رجوع شود به متن اهداف کیفی در خبرنامه کیفی بزبان انگلیسی، مجلد دوم، شماره اول، مارس ۱۹۷۶، ص ۲۴) هورتسما آئنده، نوام چامسکی، انک فوروم، اریک بنتلی، پل سوئیزی، مدین جبارا و بسیاری دیگر از روشنفکران و هنرمندان آمریکائی از جمله پشتیبانان این کمیته‌اند. فعالیت‌های آن در طی چند سال اخیر بر محور افشای خفقان سیاسی حاکم بر ایران در افکار عمومی آمریکا و دفاع از نویسندگان و هنرمندان زندانی متمرکز بوده است. بسیاری از فعالیت‌های مشخص دفاعی آن، نظیر دفاع از غلامحسین ساعدی، علی شریعتی و ویدا حاجب، فعالیت‌هایی بوده‌اند که برخی سازمان‌های دانشجویی و یا سازمان‌های حقوق مدنی نیز درگیر آن بوده‌اند. بر هر مبارز ضد رژیمی روشن است که فعالیت‌های دفاعی کیفی فعالیت‌هایی است علیه رژیم شاه، فعالیت‌هایی است در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، و بطور کلی هم جهت است با مبارزه لازم دفاعی علیه خفقان حاکم بر ایران. دقیقاً به این دلیل، کلیه گرایش‌های سیاسی وظیفه دارند که از حق فعالیت کیفی، چه با جزئیات برنامه کار و دفاع‌های مشخص آن موافق باشند، چه نباشند، دفاع کنند. اخلاص گری در فعالیت‌های کیفی صرفاً به کل فعالیت‌های دفاعی لطمه می‌زند و راه را برای خرابکاری عوامل ساواک در این فعالیت‌ها باز می‌کند. بهم زدن یک جلسه کیفی، که از طریق آن چند صد آمریکائی با جزئیات خفقان سیاسی در ایران آشنا می‌شوند، فقط و فقط به رژیم شاه کمک می‌کند و لاغیر. ما از کلیه گرایش‌های سیاسی و سازمان‌های دانشجویی می‌خواهیم که صریحاً موضع خود را درباره ضرورت دفاع از حق فعالیت کیفی اعلام دارند. سکوت درباره چنین حملاتی بین غیر مستقیم به معنی صحه گذاشتن بر آنهاست.

کند و کاو، پاییز ۱۳۵۵